



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Environmental Responsibility

Shoftim

مسئولیت در برابر محیط زیست: شوفتیم

برخی دستورها در تورات به اندازه ای محدود توسط حکیمان فهمیده شدند که تقریباً مورد اجرایی ندارد. یک نمونه، شهری است که به دلیل بت پرستی گمراه شده و در تورات درباره اش آمده: "باید ساکنان آن شهر را از دم شمشیر بگذرانید." (تثنیه ۱۶:۱۳). نمونه ای دیگر، بن سورر اوموره، فرزند لجوج و طغیانگر است که توسط والدین به محکمه آورده شده و اگر مجرم شناخته شود، محکوم به مرگ می گردد. (تثنیه ۲۱-۲۱:۱۸)

در هر دو این موارد، حکیمان، قانون را چنان سختگیرانه تفسیر کردند که گفتند: "هیچ گاه موردی این چنین نبوده و نخواهد بود که این حکم اجرا شود. (سنهدرین ۷۱ الف). رבי الیعزر گفت که اگر در این شهر یک مزوزا یافت شود، دستور اجرا نمی گردد (همان جا).

در مورد فرزند لجوج و طغیانگر ربی یهودا تدریس کرد که اگر مادر و پدر حرفشان با هم یکی نبود، دستور اجرا نمی شود (همان جا). بنا به این تفسیرها دو قانون هرگز قرار نبوده اجرا شوند، اما فقط نوشته شده اند "تا ما آنها را درک کنیم و به نتایج خوبی دست یابیم"¹. آنها فقط هدف تربیتی داشته اند و نه کارکرد قانونی.

در جهت مخالف، برخی قوانین مفصل تر از آن بودند که در نگاه اول تصور می شد. نمونه ای جالب در پاراشای این هفته دیده می شود. تورات در مورد رفتار در هنگام محاصره جنگی می گوید:

وقتی شهری را محاصره می کنید و برای تسخیر آن مدتی طولانی در جنگ هستید، درختان آنرا از بین نبرید و تبر نزنید. می توانید از آنها بخورید، اما نباید آنها را قطع کنید. آیا درختان هم آدم ها هستید که شما باید آنها را نیز تسخیر کنید؟ فقط درختانی را که می دانید غذا تولید نمی کنند برای ساختن ابزارهای محاصره استفاده کنید تا وقتی که شهری که با آن در جنگ هستید، سقوط کند. (تثنیه ۲۰-۱۹:۲۰)

منع قطع درختان میوه را قانون بل تشخیص "قطع نکن" می نامند. در سطح ظاهری این قانون محدوده کوچکی را شامل می شود. کاری نمی کند جز منع بایر کردن زمین در دوران جنگ. به نظر می رسد که در دوران صلح کاربردی ندارد. اما حکیمان آنرا بسیار گسترده تفسیر کردند که شامل هر گونه عمل تخریب بیمورد است. موسی بن مایمون این قانون را چنین بیان می کند:

¹ Tosefta Sanhedrin 11:6, 14:1.

"نه تنها این دستور به درختان مربوط است، بلکه همچنین هر کسی که ظرف ها و لباس ها و ساختمان ها را خراب کند و چاه های آب را تخریب یا مواد غذایی را تلف کند، دستور تورات را زیر پا گذاشته است².

این پایه هلاخایی (شرعی) اخلاق مسئولیت در برابر محیط زیست است.

چرا سنت شفاهی (تلمودی) یا دستکم برخی از مفسران، محدوده قانون را در برخی موارد تنگ و در برخی دیگر فراخ می سازند؟ پاسخ کوتاه چنین است: ما نمی دانیم. ادبیات تلمودی به ما نمی گوید. اما می توانیم درباره اش فکر کنیم. نوشتاری که در تفسیر قانون الهی در موارد خاص نوشته شود از کل ساختار تعالیم تورات می تواند کمک بگیرد. اگر متنی به نظر برسد که با یک اصل بنیادی قانون یهود تضاد دارد، باید آنرا با سختگیری و محدودیت فهمید. اگر متنی نمونه بارز یک اصل بنیادی قانون یهود باشد، باید آنرا به صورت فراخ و گسترده تفسیر کرد.

قانون شهر محکوم به ویرانی که همه ساکنان آن محکوم به مرگ شدند، در تضاد با عدالت فردی به نظر می رسد. وقتی سدوم محکوم به نابودی شده بود، ابراهیم جدل کرد که اگر فقط ده انسان بیگناه در آنجا باشد، نابودی کل جمعیت، آشکارا ناعادلانه خواهد بود: "آیا قاضی سراسر زمین عدالت را به جا نمی آورد؟"

قانون فرزند لجوج و طغیانگر در تلمود توسط ربی یوسی اهل جلیله بر این مبنا شرح داده شد: "تورات سرنوشت نهایی او را پیش بینی کرده بود." او با دزدی شروع کرد. احتمال بسیار می رفت که بعدها مرتکب خشونت و قتل بشود. "از این رو تورات دستور داد: بهتر

² Hilchot Melachim 6:10.

است او بیگناه بمیرد تا گناهکار.³ این یعنی مجازات قبل از ارتکاب به جرم. این کودک کمتر به خاطر کاری که انجام داده و بیشتر به خاطر کاری که شاید انجام دهد، مجازات می شود. ربی شیمون بریوحای که می گفت این قانون هرگز قبلاً اجرا نشده و بعدها نیز اجرا نخواهد شد، قطعاً اعتقاد داشت که در یهودیت اصلی برخلاف این حاکم است و افراد فقط می توانند به خاطر آنچه انجام داده اند محاکمه شوند و نه آنچه انجام خواهند داد. مجازات پس از انجام جرم، عدالت است؛ اما مجازات پیش از انجام جرم، عدالت نیست.

یادآوری: داریم می اندیشیم. ممکن است دلایل دیگر نیز در میان بوده باشند. اما می توان فرض کرد که حکیمان تا حد ممکن می خواستند احکام خود را هماهنگ با ساختار ارزشی قانون یهود آن گونه که می فهمند، بیان کنند. از این منظر، قانون شهر محکوم به نابودی وجود دارد تا به ما بفهماند که بت پرستی وقتی توسط کل یک جامعه دنبال شود، مسری است، چنان که در تاریخ پادشاهان یهود دیدیم. قانون فرزند لجوج و طغیانگر آمده تا به ما بیاموزد چگونه سرازیری سقوط به جرم در دوران نوجوانی به جنایت در بزرگسالی می انجامد. قانون نه فقط برای قاعده گذاشتن، بلکه همچنین برای هدف های تربیتی بیان می شود.

اما میان بل تشخیص و تفکر و قانون یهودیت، هماهنگی آشکاری وجود دارد. تورات دلمشغول آن چیزی است که امروزه "حفاظت محیط زیست" می نامیم. این به ویژه در مورد سه فرمان در مورد دوره های استراحت صادق است: شبات، سال شمیطا و سال یوول.

در شبات همه کارهای کشاورزی ممنوع هستند "تا گاو و الاغت استراحت کنند." (خروج ۳۲:۱۲). این قانون محدوده ای می گذارد بر دخالت در طبیعت و به دنبال رشد اقتصادی

³ Mishnah Sanhedrin 8:5.

بودن. ما خودآگاه می شویم که خودمان مخلوقات خدا هستیم و ما خالق نیستیم. زمین مال ما نیست، بلکه مال خدا است. برای شش روز به دست ما سپرده شده، اما در روز هفتم به گونه ای نمادین از آن قدرت دست می کشیم. کار نمی کنیم، یعنی به عملی که تغییری در چیزی می دهد، دست نمی زنیم. شبات یادآوری هفتگی است در مورد اصالت طبیعت و محدوده های تلاش های انسانی.

کاری که شبات برای انسان ها و حیوانات می کند، سال های شمیطا و یووول برای زمین انجام می دهند. زمین نیز به استراحت های دوره ای نیاز دارد. تورات هشدار می دهد که اگر بنی اسرائیل به این امر احترام نگذارند، به رنج تبعید دچار خواهند شد و "آنگاه زمین به جبران شبات هایش تا وقتی که در تبعید هستی، بایر خواهد بود و تو در زمین دشمنانت خواهی زیست". (لاویان ۲۶:۳۴)

پشت این دو ملاحظه هست: یکی محیط زیستی. چنان که مشه بن مایمون می گوید زمینی که از آن بهره کشی افراطی بشود، سرانجام فرسوده می شود و حاصلخیزی خود را از دست می دهد. از این رو به بنی اسرائیل دستور داده شده خاک را از طریق دوره های کشت نشدن، محافظت کنند و به قیمت بایر شدن زمین برای مدت ها، به دنبال سودآوری نباشند.⁴ دوم، که کمتر اهمیت ندارد، جنبه خداشناسی آن است. خدا می گوید: "زمین مال من است. شما فقط مهاجران و بازدیدکنندگان من هستید." (لاویان ۲۵:۲۳)

ما مهمان زمین هستیم.

گروهی دیگر از دستورها هستند که به ما در مورد دخالت در طبیعت هشدار می دهند. تورات آمیزش دادن جانوران گوناگون با هم، کاشتن چند جور محصول در یک زمین و

⁴ Rambam, *The Guide for the Perplexed*, III:39.

پوشیدن لباسی که از پشم و کتان با هم بافته شده را منع می کند. به این قوانین، خوکیم یا احکام می گویند. نحمانید این کلمه را به معنای قانون هایی می دانست که به اصالت زمین احترام می گذارند. او استدلال می کرد که تصور می شده کاشتن انواع مختلف دانه با هم خلقت را بهتر می کند و این اهانتی به خدا است. هر نوع گیاهی قوانین درونی رشد و بازتولید خودش را دارد که نباید به آنها دستکاری کرد: "کسی که انواع گوناگون را با هم مخلوط کند، مخالف کار آفرینش رفتار کرده و مانند آن است که معتقد باشد خداوند متعال کار دنیا را تکمیل نکرده و حالا این فرد می خواهد با ایجاد انواع جدید آنها را کامل کند.⁵ سفر تشیه همچنین قانونی دارد برای منع ازدواج با یک دختر و یک مادر همزمان. نحمانید همان نکته یعنی حفاظت از انواع را دلیل آن می داند. هر چند تورات به ما اجازه می دهد که از گوشت حیوانات تغذیه کنیم، اما نباید آنها را تا حد انقراض نسل استفاده کنیم.

سامسون رافیل هیرش در قرن نوزدهم محکمترین تفسیر از این قانون تورات را بیان کرد. از دید او قوانین مربوط به محیط زیست بیانگر این اصل هستند که "همان ملاحظاتی که برای بشریت دارید، باید برای هر نوع جانوری پایتتر، برای زمینی که همه چیز را در خود نگه می دارد و دنیای گیاهان و جانوران داشته باشید." این قوانین از ما می خواهند که همه موجودات زندگی را مال خدا بدانیم. هیچ یک را نابود، اذیت و حرام نکنیم و از همه چیز استفاده عاقلانه به عمل بیاوریم... به همه مخلوقات همچون اعضای خاندان خلقت نگاه کنیم."⁶

⁵ Ramban, Commentary to Lev. 19:19.

⁶ S. R. Hirsch, *The Nineteen Letters*, Letter 11.

هیرش همچنین تفسیر نوآورانه ای از آیه ای در باب اول سفر پیدایش به دست داده که "بیاید انسان را به صورت و شباهت خود بیافرینیم". این آیه گیج کننده است، زیرا در آن مرحله و پیش از آفرینش انسان خدا تنها بود. هیرش می گوید که "ضمیر اول شخص جمع" به باقی آفرینش اشاره دارد. زیرا انسان به تنهایی ظرفیت تغییر دادن و به خطر انداختن دنیای طبیعت را پیدا می کرد، پس خدا از خود طبیعت مشورت خواست که آیا چنین موجودی خلق کند؟ شرطی که در این جا به آن اشاره غیرمستقیم می شود این است که انسان ها باید طبیعت را گسترش دهد و نه این که به خطر بیندازند. هر کار دیگری بیجا و خارج از وظیفه ما برای محافظت از کره خاک است.

با این تفسیر دیگر آیه گیج کننده نیست. آدم در باغ عدن برای "کار کردن و محافظت" گذاشته شده بود (پیدایش ۲:۱۵). دو فعل عبری در اینجا بسیار مهم هستند. اولی، له عودا یعنی برای آن کار کردن. انسان فقط ارباب طبیعت نیست، بلکه خدمتگزار آن نیز هست. دومین فعل له شومرا به معنای محافظت کردن است. این فعلی است که بعدا هنگام شرح قوانین تورات در مورد مسئولیت های کسی که از ملکی حفاظت می کند که مال او نیست به کار می رود. او باید در محافظت بسیار کوشا و هشیار باشد و مسئولیت خسارت های ناشی از سهل انگاری به عهده او خواهد بود. این شاید بهترین و فشرده ترین بیان مسئولیتی است که تورات در برابر طبیعت تعیین می کند.

پس تسلط انسان بر طبیعت محدود است به کارکردن برای آن و حفاظت از آن. داستان مشهور باب های دوم و سوم سفر پیدایش در مورد خوردن از میوه ممنوع و پس از آن اخراج از باغ بهشت، همین منظور را دارد. اگر از محدوده ها تجاوز کنی، مصیبت وارد می شود. یک میدراش این همه را بیان می کند:

وقتی خدا آدم را آفرید به او نقشه آفرینش را نشان داد و گفت: "به همه کارهای من بنگر که چه زیبا هستند. هر چه ساخته ام برای تو است. پس از آنها محافظت کن و دنیای مرا خراب نکن، زیرا اگر چنین کنی، هیچ کس نخواهد بود که آنچه تو ویران کرده ای را بسازد."⁷

امروز خیلی بیشتر از گذشته می دانیم که به دنبال سودآوری از طبیعت بودن چه خطرهایی برای زیست بوم زمین ایجاد می کند. رهنمود سنت شفاهی (تلمود) که از ما می خواهد طبیعت را خراب نکنیم بلکه آنرا گسترش دهیم، باید الهام بخش امروز ما باشد. ما باید افق های مسئولیت زیست محیطی خود را به خاطر نسل هایی که هنوز دنیا نیامده اند، و به خاطر خدا که میهمانان او بر روی زمین هستیم، گسترش دهیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

⁷ Kohelet Rabbah 7:13.